

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

تقر قبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصور

۱ شهر ربيع الاول ۱۳۲۲ هجري مطابق ۱۵ مايو ۱۹۰۴ ميلادي

وجه پست داخله و خارجہ بمعده اداره است

(قیمت آبونہ سالیانہ)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال ۳

ممالك دولت عليه ايران

چهار تومان ۴

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجيدي ۴

انگلند هند و سارند

ده روبيه ۱۰

قفقازيه تركستان

هشت منات ۸

اروپاچين بيست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتا ماهي دوبار و بعد هفته کي طبع و توزیع میشود

فهرست مندرجات

- سياسي - شيندن کي بود مانند دیدن - باد کوبه
- چهره نما - فرانسایطالیا - مقاله و آتسه - قرض
- روس - اجمل التواریخ - پندنامه افسر کبری - قرض
- ژاپون - مصر قاهره - چهره نما - خصایص اعلحضرت
- امپراطور روس - تشکر و اعتراف - اسکندرية
- تلکرافات - اعلان

(*) سياسي (*)

هلال سياسي ماه مای بارخی کلکون و اندامی

پرخون در شرق اقصی طلوع نکرد مگر بر پرچم
ظفر و فتوحات پیایی بری و مجری ملک الملوك شرق
که بدر درخشان غریبازا در مصاف هزیمت
منخسف داشت و برقیاب سراق سطوت
ومیاستشان قلم نسخ سریع السیری نکاشت و چنان
فرس مبارز ترا در عرصه خصم بچولان آورد
که تاب مقاومت نماند

از مشاهدات حال و وجنات استقبال چنان
برآید که آسمان خون آشام این جنک بزرگ و نبرد
منترک کینها ورزد و خونها بریزد بساخانهها بتاراج
کینه برباد دهد پسرهای پدر و زنهای شوهر کند

و کین شو و تالیان و بولیاناتین و فغ هوانغ شنغ و لیانغ و نیوشوانغ و یالو و پورتا تر نیوزد مکر برکشته های بخون آغشته که از توپ کروپ قلعه کوپ روی هم بالای هم ریخته شده اند و چشم آسمان شعبده باز کار نمیکنند بجز برجسمهای جوانان نوخواسته که عرصه زرمکاه را تلال عقیق فام کرده اند

معلوم است از ابتدای خلقت عالم و شعبه شعبه شدن سلسله بنی آدم همیشه جنگ و جدال و رزم و نکال امتداد داشته و هر دوری پادشاهی بجهانگری معروف و دلاور و سر کرده به بهادری موصوف بوده گاهی از شهامت سام زیمان و زمانی از شجاعت رستم دستان سخن میراندند حال اوراق و صحایف جراید گاهی از کیاست و فراست جنرال کوری سپهسالار ژاپون پرمی شود و دمی از غفلت و خبط جنرال کورپاتکین سپهسالار روس سخن رانند و ابتداء که نایره حرب فیما بین دولشکر مشتعل شد و در دریا بود مظنون اغلب بر این بود بواسطه تکمیل قوای بحری ژاپون و کشتی های جنکی زره پوش جدید الاختراع او فتح مر اوراست و در خشکی کاری از پیش نبرد و آنچه درد ریانهنگ صفت بلع کرده در خشکی ماهی وار پس بدهد بلکه بختی رسیده جان بسپارد لیکن ظنون همه بخط رفت و این ماهی طبیعت سقنقور در او بود در خشکی سیر سرعت و شتابش کم از تری بظهور نه پیوست و اغلب سواحل را بقبضه اختیار در آورد و در جزایر (لیاوتنغ) (و کین شو) که چهل میل مسافت تا پورتا تر بیش نیست هفتاد هزار قشون

اینک بسر کرمی و شتاب و سرعت و اضطراب دولتین متحاربین از شمال و جنوب کوریا و ضواحي منشوریا و جزایر دریای اصفر همه روزه و همه ساعت جنگ کریز دارند و عجب انجاست که ساعتی آسوده جنود را نمیگذارند در حقیقت هیئت و نظام و جلادت فائقه هیئت عساکر ژاپون بجهت هیچ کس مجال ثبات و درنگ نکذاشته که تمامی سیاسون عالم بصدای بلند روس را مخاطب ساخته میگویند (احسن الله لك هذا العزا)

امروز چنان فضایی لایتناهی اقصای شرقا صرصر خیول و جنود تدابیر ناقبه ژاپون پر و تیره کرده که چشم سیاسون مغرب و مشرقا یکسره خیره نموده و تا هلال زار خصم از پس محاق هزیمت و انکسار سر بر آرد و کم کم ماه شده پس از عشری بدر نصرت شود (نه کودرز ماند نه کاووس کی)

حصن حصینی که کنکرهای بروجش سر بر فراز شکوه آسمان دول از عجب و تفرعن غمی سود و حضیض دیوارش از کبر و تبختر پهلو بمنطقه البروج سلاطین اروپ نمیزد از قطرات شبنم دریاچه تمدن و تربیت که در ظرف چهل سال جمع شده و میل به پائین حصارش کرد بانندک فرصتی مترعزع کشت و اوراق سیاسیة اروپا و یانرا که از بسط و شرح عساکرش مشحون بود یکباره در نبشت

اینک نسیم خون بیز حوادث و بدایع در اقصای شرق و شمال و جنوب کوریا و ضواحي منشوریا و سواحل و جزایر دریای چین و شهر لیاوتنغ

مکمل پیاده کرد و همه کوشش در محاصره و بدست آوردن بندر پورتاتر که محل ذخایر و اسلحه و جبهه خانه روس است مینماید (بندر پورتاتر را روسها در سنه ۱۳۱۵ هجری مطابق سنه ۱۸۹۸ میلادی از چین بدست بیست و دو سال اجاره کرده اند و بدسایس و حیل متصرف شدند پس از ششماه که از عقد اجاره شان گذشت مجلس (سنگ لیامن چین) خبردار شد که بدون اطلاع مجلس مذکور (لیهوک چانگ صدراعظم چین) این خدمت را بدولت روس و این خیانت را بطمع نشان عقاب مرصع و رشوه بولینعت خود دولت کرده است) و کثرت تلکرافات و اخبارات متفق است که اغلب راه های آهن فیما بین منشوریا و پورتاتر را بریده اند و سیم تلکرافات را قطع نموده اند لیکن تا حال موافق دلخواه کامیاب در محاصره بندر نشده اند و روسها اغلب مواقع را از دست داده اند و تاب مقاومت و ثبات نیاورده اند بعضی جاها را روسها تخلیه کرده و برخی را از شدت غضب آتش زده و بطرفی دیگر حرکت کرده اند و خسارت چندروزه جنگ از طرفین بالغ بر شازده هزار نفر مقتول شده که نه هزار از روس و هفت هزار از ژاپون بوده باشد و تا امروز بمسافت هفتاد میل روسها بطرف منشوریا میل کرده اند و مطابق همین مسافت ژاپونینها پیش رفته اند و آتی غفلت ندارند و دمی آسوده نمی نشینند یعنی اغلب تلکرافات از سر شب نصف شب طلوع فجر قبل الظهر بعد الظهر عصر میباشد که همه اش ژاپونینها یرش برده اند (تمامی خاک ژاپون شش مقابل از ایران

کتر است و عده نفوسش از چهل هشت ملیان بیش نیست و ترقیات او از سی نه سال علاوه نمیشد) چگونه عالمیرا در اضطراب انداخته و دول معظمرا شیدای و جنات و حرکات خود ساخته (کسانیکه همیشه از تنبلی و خود پروری دم از یاس میزنند و عالم ترقیات عهد حال را مقایسه با پیش میکنند و حرمانرا دست آویز کرده خوب است باین طفل رضیع عالم تمدن که هنوز از شیر باز نشده و دایه تدنیرا جواب نمیکند است قدری از روی عقل کهن و پیری خرد بنکرند و بر سر امیدواری آیند)

جراید نویسان اروپا که وقتی گاه را کوه و ذره را ابنوه و قطره را دریا و پشه را عنقا میکنند و چیز جزئیرا انقدر آب ورنک و ساز سنگ میدهند و بقدر سرعت قلم و افکار شان مبالغه میکنند که خواننده انچیز موهوم در نظرش شیء عجیب و چیزی مهیب می آید امروز فرس توصیف در حق ژاپون چنان میدوانند که سایرین دولرا برعب انداخته اند اگرچه از ظواهر کار تا حال پر بخطا سخن نرانده اند و این نکته از مسلمیات است باین قسمی که هیئت دولت و ملت ژاپون در جزء جزء امورات ترقی فرد فرد شان سریع السیر شده و قابل همه گونه تمجید و تحسین شده اند میتوان در آتیه چین و طمع دول مناقشه بزرگ و منازعه عظیم استنباط کرد بلکه پس از رفع قائله هائله این جنگ دولت ژاپون سایه تمدن و تربیت به اراضی بلاد چینی بکستراند و لقمه بزرگی که

﴿ شیندن کی بود مانند دیدن ﴾

کویا کونیده این شعر در سیصد کسری قبل
بمناسبت مقال ذیل این مصرع را سروده

ما با ادعای زبانداری زباندرازی خامه را
چسان بر سر زبانه اندازیم که شنونده این مقالا
بکوش حقیقت وانصاف و بدیده بصیرت بدون
خلاف نکرده واصفا نموده اذعان نماید ونویسنده را
در مورد طعنه واستهزا برینارد ترقیات

عالیه علم بقسمی امروز سریع السیر شده است که
بلاد متوحشه که شهر ستان ظلمت ودحشت وخوف
بوده و رایجه تمدن سالها بمشام مشایخ و کبارشان غیرسید
بلکه قرنهای نسیم معرفت وانسانی وشمیم تربیت ودانائی
بر فراز پرچم خیال (این حسیات متخیر العقول که
علم است و آسایش حیات را رکن رکین است)
نموزید امروز چنان کنگ و کرهاشان از

برکت نعمت علم و فضیلت علوم کویا و شنوا شده اند که تا
شخص نه بیند قبول نمیکند عجباً ممکن

است لال و کر صاحب قلم و خطوط مختلفه ونوشتن
و خواندن لسان مختلطه بشود و بمدتی کم از علوم
لازمه عالیه و تاریخ وطن مقدس وقواعد مذهب
واحکام واجبه دین و مقدمات هندسه وحساب وجغرافی
و فریک و ادبیات و علم حقوق ملل و دول و حیات و
..... بهره کامل گیرد و مطابق زبان دانها و کوشدارها
شهادتنامه تحصیل کند (کورت نیست باور بیاو به

بین) اروپاویان بقسمی دستگاہ تعلیم وتعلم
و تربیت را مضبوط و کارخانه آد مسازی را منتظم

کلوی چند نفر را پاره میکند خود یک نفر بلع کند
وازاره کوشش و فراست شاخ وبرک اروپاویان که
بتازکی در بعضی مستملکات دولت آسمانی ریشه
دوانیده قطع کند واکر باین قسم بماند زمانی بیاید
که چون سیل کوه شکاف از طرف شرق بچانب
غرب در حرکت آید (این پیش بینی صد سال
بعد است)

دول اروپ که گاهگاهی محض نام ینک تمدن
که در جامه توحش مستور است و بجهت بقای امور
سیاسی خویش قبای صلح وسلم بقامت خیر و مصلحت
هیئت و مملکت و دولت خود بذریعه نثریات راست
کنند و مصلحتاً باسم بی مسای (مصلحان شراند
یش) اگر فتنه واشوبی در اقصا بلاد دور دست
برپا شود که نفع و ضررش برانها نتیجه نه بنجشد
نخودی باش می اندازند و برای آنکه بیک اند از
از همدگر عقب نیفتند هی تاکید روی تا کید
واصرار روی اصرار مینمایند که چیزی از مراتب
شونا قشان کاسته نشود واکر اتفاقاً مورچه از تبعه
شان در خاک دیگری از کزند پشه جان بسپارد
انهمه داد و فریاد میکنند و عالمیرا رسوا میسازند
حال در این جنک بزرگ و ببرد سترک نفس نمیکشند
و همه روزه منتظر فتح و شکست دولتین متحاربین
هستند که نفع انهارا یا از پول یا از اسباب و آلات
حرب شامل باشد و چنان تمامی خفته اند که
کوئی سراسر مرده اند

و مبسوط قرار داده اند که عقول ذوی العقول
 مبهوت و حیران و افهام خرد مندان مات و سرگردانست
 که کس تواند شمه از هزارها بیان نماید و منطقی در
 آداب و رسومشان بکشد نه فقط طفل
 صحیح الاعضا باندک وقتی منشاء علوم بدیعه و مصدر
 اختراعات جدیده میشود و از حاصل تحصیل چند
 سال در مکتب بمنصب عالی و جوایز متعالیه میرسد
 و افتخار قومیرا در خور و جمعیرا متکفل معاش وزنده
 کافی میکردد و زبرد ستازا از ذلت احتیاج و مسکنت
 میرهاند بلکه قواعد مکاتب و مدارس
 امروز بوضعی خوش اسلوب و بطرزی سراسر
 مرغوب طراحی شده و بنیادش ریخته گردیده که
 اطفال لال و کر بلکه کور هم تربیت می شود
 و صاحب علم میکردد اگر از روی انصاف
 و مروت و مردی و قوت لمح در زاویه فکر
 صائب فرورویم و قدری تعقل کنیم و علائم توسعه
 ترقیات دایره علم امروز را مشاهده کنیم و با مقیاس
 دانش و بنیش آثار و شواهد نتایج تحصیلات متعلمین
 حالیه را در میزان عقل و خرد مندی به سنجیم . . .
 انوقت میگوئیم لال و کنک و کور صاحب خط
 و علوم متعالیه و فنون متکاثره میکردد (لله در قائله
 شیندن کی بود مانند دیدن) احمد توفیق اخص لال و کر
 که از مادر همین قسم متولد شده و علی الرسم پدر
 و مادرش از پی علاج که محالست شفا یابد بر نیامدند
 پس از سن هشت ساله کی اورا بمدرسه (خورصه)
 مدرسه لال و کرها گذاشتند (مدرسه مذکور

واقعه در مصر دارای چهار صد شاگرد است که
 تمامی لال و کر هستند (مدت هشت سال محصل در
 مکتب بوده اینک یک سال نیم است فارغ التحصیل
 از مکتب بیرون آمده جوانیست زیبا و از کمالات
 معنوی دارا در مغازه (عمد جورجی) بماهی پنج
 لیره نویسنده گردیده یک سال بیش نگذشته
 یک لیره بر مواجش افزوده اند که ماهی شش لیره
 انگریزی که (مطابق سی سه تومان است) مواج
 میگیرد علی العجابه از تحصیلات هشت سال زحمت
 عایدش می شود در مغازه تجارقی آدم لال و کر چه
 طور ممکن است منشی باشد و مکاتبات کند بلی
 خطوطیکه از لندن و فرنگ میرسد میخواند و ترجمه
 کرده از خط انگریزی مع جوابات انها بخط عربی
 نوشته تقدیم صاحب مغازه ارباب خود میکند
 (عمد جورجی) بعد از خواندن و کم و زیاد کردن
 باو بر گردانده دوباره بخط انگریزی نوشته بصره
 ارباب میرساند هم چنین خطوطیکه عربی یا ترکی
 است که از شام و بیروت و اسلامبول و از میر میرسد
 بقسم فوق الذکر معمول میدارد این جوان لال و کر
 معلوم است سه زبان دربی زبانی داراست (کوش
 سخن شنو کجا دیده اعتبار کو

(باد گو به)

(خبر نکار مخصوص ما) جناب علامی فهامی
 اقامیر محمد کریم حاجی میر جعفر زاده که از قدیم

خانواده های علمای بادکوبه اند و ابا عن جد همیشه در کارهای شریعت و ملت اسلامی خلی خدمات کرده اند در این زمان اقا کلام الله شریف را ترجمه نموده اند بزبان ترکی آذربایجان و ساده و روان که هر کس بقدر علم و معرفت خود بهره خواهد برد و این قدر مطلوب و مرغوب شد است که حدش معین نیست لیکن سرکار اقا را آن قوه و استطاعت نبود که او را بطبع برسانند که همه مسلمانان از او بهره ببرند و همیشه متذکر و متفکر بودند که شاید بتوانند این خدمت بزرگ را انجام بدهند بر حسب اتفاق یکی از تلامذ سرکار اقا در مجلسی خدمت جناب حاجی زین العابدین تقی یوف میرسد و اظهار میکند که اقای امیر کریم قرآن شریف را تفسیر کرده اند و قوه و قدرت طبع کردنا ندارند جناب حاجی زین العابدین تقی یوف فوری میفرماید تعجب دارم که تا حال کسی این مطلب را بمن ن گفته است و سرکار اقا را طلبیدند بعد از نوازشهای بسیار فرمودند کلام الله شریف تمام است و موجود است اقا فرمودند بلی اگر جزئی ناقصی داشته باشد تمام میکنم جناب حاجی میفرماید بکار گذارهای خود که معادل ۱۰۰۰۰ ده هزار جلد بطبع برسانند و بعد از بطبع رسانیدن در آذربایجان ایران و خاک عثمانیه و ترکستان و افغانستان تقسیم کنند

علاوه دستور العمل داده اند سه جلد باب طلایی خالص طبع کرده یکیرا هدیه بدر بار (اعلی حضرت سلطان عبد الحمید خان ثانی) سلطان عثمانیه و یکیرا

بدر بار (اعلی حضرت پادشاه ایران مظفر الدین شاه) و یک جلد را خدمت امیر افغانستان امیر نصرالله خان بفرستند در حقیقت باید ملاحظه شود جناب حاجی زین العابدین تا چه اندازه ملاحظه اتحاد سلاطین اسلام را منظور دارند مصارف طبع و جلد کردن این ده هزار کلام الله بیست پنجهزار منات روسی میباشد که جناب حاجی زین العابدین تقی یوف از جیب فتوت و مردانگی خود مبدول داشته اند و معلوم است بعد مصارف حمل و نقل کردن او هم علاوه می شود در حقیقت بشارت است که جمیع مسلمانان عالم از این خدمت باید شکرها بکنند

دیگر ظاهراً جناب اقا محمد حسین رئیس التجار تاجر یزدی امتیاز چراغ گاز و الکتریک را از دولت علیه ایران بجهت احداث در رشت بوعده پنجاه سال حاصل نموده اند و بیعانه (زکاز) داده اند که ماشین و آلات کارخانه را از فرانکستان بیاورند و حالیه همه روزه دو ساعت خودشان میروند در ماشین خانه و مشغول کار حدادی میشوند که عامل بشوند و این چند روزه خیال حرکت بطرف رشت دارند که بروند بجهت تعیین نمودن زمین و محل کارخانه چراغ کهربائی یا الکتریک نظامنامه این شرکت را داده اند چاب کنند انشاء الله پس از چاپ شدن یک جلد ارسال میدارم که در صفحات جرید چهره نمادرج کنید

جناب حاجی محمد اقا وکیل شرکت عمومی ایران چند روز است روانه طهران شده اند جناب میرزا عبد الحسین عمید التجار که ایشان هم وکیل

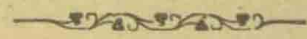
خداوند این نعمت باخیر و برکت را سالهای زیاد در صفحه کیتی باقی بدارد که از او آثار و علائم افتخار ملت اسلام و اسلامیان در جریده دائمه تاریخ روزگار زیاد بر زیاد بماند
 جراید اسلامی
 و روزنامه‌های ملی را قرض بلکه فرضست که این قبل اخبارات روح پرور که افتخار جمیع مسلمانان عالم را شامل است نشر داده باشند تا سایرین فهمیده بکوشند و از جام وحدت و یگانگی بنوشند که آشفته کی از نفاق خیزد



فرانسه ایتالیا

مسافرت موسیو لوبه رئیس جمهوری فرانسه بعیت موسیو دلکاسه وزیر امور خارجه به رثوم پای نخت ایتالیا باعث از دیاد روابط یکجھتی فیما بین دولتین گردید (اگرچه دول امروزه هیچ يك اطمینان بفردای دیگری ندارند که در دوستی موافق یا منافق باشد) و عموم رعایای فرانسه و ایتالیا ازین مسافرت اظهار خوشنودی و ابراز مسرت مینمایند و امیدواریم دارند که در دامن اتحاد استقبال دولتین خطشه راه نیابد و این دوستی و مودت همیشه برقرار و ثابت بوده باشد مخصوصاً پس از مراجعت موسیو دلکاسه وزیر امور خارجه فرانسه نطقی مینماید که متضمن است بر استحکام دوستی و روابط یکجھتی دولتین و تشکرات صحیحی خود را اظهار میدارد که پس از معاهده تجارتي سنه ۱۸۹۸ که فیما بین دولتین فرانسه و ایتالیا واقع شد از ازمان تا کنون همیشه رشته مودت و دوستی امتداد داشته است و همه روزه زیاد بر زیاد شده است و تشکر دارم که مسائل ناقابل متعلق به بحر وسط که کرد و غبار

هستند از جانب عمومی وعده داده اند صورت حساب شرکت برسد يك نسخه گرفته بفرستم
 این اوقات دستگاه بانکات از پول خالی است که ممکن نیست انسان بتواند منات عین هزار یاد و هزار تحصیل کند یعنی سابق کسی بفکر طلا گرفتن نبود حالیه اغلب بفکر منات عین گرفتن افتاده اند بانك هم بقرار معین طلا میدهد زیاد نمیدهد خودش اسباب توهم شده است



چهره نما

همت مردانه و قوت فرزانه جناب حاجی زین العابدین تقی اف تاجر بادکوبه با النسبه بقاطبه ملل عالم عموماً و فرق اسلامی خصوصاً اظهر من الشمس و اوضح من الامس میباشد و همین همت عالی و خیال مقدس متعالی در طبع کردن کلام الله و سه جلد بزر خالص طبع نمودن بجهت سلاطین اسلام خودش کواهیست صادق و دلیلیست کافی که چه قدرها از حسن این نیت روشن عالی قلوب مسلمانان از هم خورسند و در اتحاد و یگانگی میکوشند (آفرین بر همت مردانه اش) نادر شاه افشار با انهمه هیاهو و زحمات و خیالات عالیه و جمع نمودن علماء و کلمه طیبه اتحاد که باعث شوکت و عظمت و آرامی و راحت کافه مسلمانان بود و آخر کامیاب نشد میتوان گفت افکار صائبه ان پادشاه مآل اندیش در کله این جوان مرد در اتحاد اسلامیان جا دارد

کدورت پر ضمیر دولتین نشانده بود این مسافرت
بر طرف کرد

بقیه مقاله موآنسه از نمره ۲

وازم افسرده پز مرده دل به خیال ارتحالت می رود . . .
پرشدن عروق و اعصاب . ولرزیدن دل بمثابه سیاب .
کواهیست عادل و شاهدیست کامل . که دردت بی شمار .
و محنت بسیار است . (رنک رخساره نشان میدهد از راز درون)
آخر باین مبتلائی اشک ریز . و اندوه فزای باغم آویز . و حسرت
بر مقاله سخن . و حیرت زده اوآره از وطن نطنی خیزه و طرح الفت
و موآنست ریز . (راهی نما حرفی بگو . بندی کشا از گفتگو دل
داده کان را دل بجو . بهر رضای ذوالمنن) کونید صحبت و سخن .
ژنک محنت و سخن . از آینه قلب هر ممتحن . بزداید . و غبار
ادل بکلامی شیرین . و یسانی نمکین بر باید . نورا بچقیقت
انسانیت . که امروز در ماحکم کیمیاست . این چه
جفاست . و بیجه مذهب و طریقت و آیین و شریعت رواست .
که تو با حکام محکم الانبیان . واجب الاذعان قانون آسمانی .
و فرقان یزدانی . عمل نکندی و وقعی بکلام معجز نظام (امرم
شوری بینهم) نه نهی و بجواب مانده پریشان و سرافکننده
بی خاتمان . حرفی زنی . برای قادر بیچون . و امر دهنده
کن فیکون . رحمی . رحمی . رحمی . کاشکی هنگام ورود .
از عالم غیب و شهرد . در این عرصه مسرت مفقود . بجای
قابله اجلم قبول می نمود و آسایش ابدی می بخشود . (خوشامرک و
آسایش جاودانی * که مردن بود به ازین زنده کانی)
تو خود میدانی که بیمار دردمند . و مریض مستمند . چشمش
بدهان حکیم و اهل خانه . و کوشش به استماع نکلمات و اردین
از خودی و بیگانه . میباید . و اشک بشارت . بردمان
عافیت میباشد . که شاید نوید بهبودیش از کسی بشنود .
و رایحه بهتر است . خوب می شود از طرفی بمشامش برسد .
اما چون مریض با درد مانوس . از حکیم و غیره مایوس .

کردید . و از هر کس استشفای طلبید . استبرای دید . و علامت
بشارت بهبودی ندید . یکباره قطع امید میناید . و دایم
انتظار اجل دلدرد . و اشک یاس بردا من حرمان میبازد .
تا عاقبت جان مستعارش از کالبد بدن بدر آید . و سرای
عاریت را بد رود نماید . من بخوبی میدانم . و اوراق
ضمیر تورا میخوانم . که آشفته تر از منی . و پریشان کننده
انجمنی . و غم خورنده و وطنی و مرغ شکسته بال این چینی .
اما بحکم قانون طبیعت . که مکون حقیقت . در بدیهه خلقت
هر کس بقسمی جدا گانه به موهبت و دیعه نهاده . و در هر
سری سری قرار داده . و در خیر ایجاد ممکنات به تفاوت
قدرت نمائی نموده . و طراز قامت (فاحسن صور کرا) باقسام
مختلف زینت فرموده . مرا بانو از همه چیز مخالفت .
و در هر ذره مغفرت است . تو حکیمی دانا . و دانشمندی
توانا فاضلی بگانه . و عاملی فرزانه . استادی سخن دان .
و معلمی نکته دان . حقایق رموز و دقائق کنوز برت آشکار .
و از مال استقبال بر خوردار . بر خلاف من که جاهلی هستم
نادان . و بی خریدی حیران . از عقل بیگانه و از غرور بیگانه
نقش مصور . جسم بی روح و فکر . باد نخوتم در سر . و ردای
کبرم در ریز . برو سبب ابلیس همدست . و بر دسبب تلبیسی
پا بست . از عجب و تفرعن بافرعنه همزانو . و از کبر و تبختر
باغمارده هم نراز و . باخلاق ذمیمه در آفاق معروف . و بصفات
بهیمه در زیزنه رواق موصوف . برای نفع شخصیه تباه
کننده جهانی و بجهت غرض نفسیه بی خاتمان کننده دود
مائی . یوسف مصر شش هزار ساله را ممکنم باشد به بهائی
نخس و نجس بفروشم . و بارقبا بی محبل غارتگر محض
استراحتی دوروزی بکوشم . و در بزم اغیار بیاد قامت سراپا
قیامت این رعنا عروس و شمس الشموس نوده خاک و گوهر
تابناک یعنی وطنی جام خیانت بتوشم . و بر کرده های نامدوح
خویش که تاراج دادن ناموس ملت نجیب قدیم است برده
تا اهلی بپوشم . با این همه معایب و سیه مطالب چگونه قادر
و توانایم که راه نجاتی نمایم . و خود و غیر را بکناری کشانم
و بسر چشمه نجات رسانم

(ذات نایافته از هستی بخش * کی تواند که شود هستی بخش) تو باید مرابداري . و سر مرا از بالین نانوانی به زانوی غم خواری و ملاحظت کنذاری . من همه نالان و چون ماهی در ناله بلا سوزان . و به پشت چراغ عجز و استغاثه فروزانم و تو سراپا خوشی . و در مکالمات مدهوشی . (پروانه جان بیاخت ز عشقش بدور شمع * باللعجب ز شمع که اصلا خبر نشد) هر چه فریاد وزاری . و ناله و بی قراریه کنم . و شیون هل من معین یعنی زخم . برای تسلیه خواطر پریشان . و تشکیه دیده گریان . و ترضیه سینه بریان . باب استعانت نمیکشائی . و بد بیضای استعانت نمی نمائی . در مانده غمین . و بیچاره مسکین . و بی نوای حزینم . این همه ندبه و لابه . و جزع و انابه از درد مندی رنجور . و مستمندی مهجور . اثری بدرکات نه بخشد . و اشک حسرت و ندامت برد امن بزرگیت ترشچی نه باشد . نه روزگار علیم . و سیه بخت بی دلیل سوختم . سوختم . سوختم بخدا . چاره . چاره . . . الخاح و نضرع و امان . و ناله و تفرع و فغان . بنده مبتلا . و شرمنده بی نواه کوبا مهتاب بدرع بجمودن . و آب درهاون کوفتن است . (خشت بر دریا زدن بی حاصل است * مشت بر سندان نه کار عاقل است) این مخاطرات هولناک . و مشاهدات خطرناک . که بساخنها را خراب . و دریاها را سراب و جگرها را کباب کرده . جای مسامحه و تغافل و وقت درنگ و تکاهل نکذاشت . و سرعت سهر حیل و شیدای دونان بما دیگر چه ظالمی که روان داشت اوه . اوه چرخ بدهنجار خیره . و روزگار شعبده باز تیره چه سخت بمسستی بی کس و بی یار و معین . و خاکی بگردار خلد برین . چیره شد . خدنگ پولتیک صغره شکاف اجانب . برای تعدی و تجاوزات از جوانب . مارا آماج . و دست برد سیاستشان شوکت و سطوت قرون متکثره و عهد متواتره نیاکان پاکانرا تاراج داده . خداوند ناخشان نهدد . و همیشه گرفتارشان کنند . وزیر بار خسارت و شمانت این آنشان بکشد . دزدانند حیله کر و عیارانند غار نکر . بجهت خاک دیگران چالاک و برای منصرف گردیدن مستملکات غیر سپنه چاک . کاشکی

ان یکی هم مبتلا می شد . و از طرفی گرفتار می شد . تا ما بخود آئیم . و نلافی گذشته نمائیم . خدادیر کبر سخت گیر است . و واقف بر سرایر و ضمیر است . مکافات کار خود کند . و هر امیری و اسپری از منتغم حقیقی مجازات یبند . و ندای جانفزای ذوق ما کنتم نکسون (آخر بشنود . اما نا انجا جزا یبند . و عقوبت بچشند . از غم و انابه و درد درونی و خونابه جان بازم . و لواهی حسرت بساحت ملک هستی برافرازم . و نو آسوده حال و مرفه الاحوال چنانکه ساکتی راحت و از شیندن سخنان غمناک و بیانات سوزناک استراحت شوی . عجب عجب کویا فرمانده قضا و قدر . و فرو ریزنده خند و شر . نورا کور و کر . و مرا بحد الفکر کرده مگر نمی بینی سیل بنیان کن سیاست . و تکرک خارا شکن رقابت همجواران بیداد میکنند و باسم حفظ حقوق همسایگان همه روزه چون بوقلمون برنکی . و همه ساعت بمثل شعبده بازان نیرنگی . پدیدار مینمایند . و در داخله از خود سریه بندهای فتنه کشایند . بگر کو که استبدادشان چگونه درخشد . وصیت بیدادگیشان چه اشتہاری بخشد . چنان مخنار و فعال لما برید گردیده . و از غفلت قومی طنطنه اجلالشان بر سر عبوق رسیده . اگر مکی فرضا بر دیوار یکی از متابعان آنها بی جا نشیند . دیگر کسی از جنس پرنده کان ناآری نه یبند . و اگر سکی به بام یکی از رعایای آنها جهد دیگر کسی از چرنده کان حیوانی نه یبند . آی . آی . روزگار . روزگار . روزگار . اف . اف . اف . چه قدر بسستی . و بارزوی دنی طبعان نشستی . و همه کاسه فتنه و نا امیدي و مصیبت بر سر منی غمزا و غمخواری بی نواشکستی . و قلم و دهان کویبند کان کلمه طیبه حق رابستی . نکویم دلم خون و کینارم جیجیون می شود و خار هلاکت پای آرزوهایم خلد . همه ان خواهم که اقبال قومی سر بدر آرد . و ابر رحمت امطار نعمت غربت بر ساحت این خاک پاک و توده تابناک بارد . و نسیم سعادت مدینت چنان به تندی وزد . که این خس خاشاک اعتساف را از شاهراه استبداد به یکبار کی برد . چگونه میتوان دیدن . و بار بی حمیتی بر دوش بی غیرتی کشیدن . که دیگران در

هیچ يك از دول اروپ اقدام در امتداد او نكند مگر عاشق دلبسته او فرانسه که او را نهایت بار آور و درختی است خوش ثمر که هر چه دولت روس از ظلم و اعتساف و جور و اجحاف جمع کنند بلحه دولت فرانسه بلع کند و هر قدر امتداد این جنگ پیش باشد نفع فرانسه بیشتر باشد

دولت روس بتوسط (مستر فرانس وزیر مالیه) خود ۳۲ ملیان وجه استقراض خواستگار شد که (یکصد بیست پنج ملیان تومان است) دولت فرانسه مصلحتاً این قرض را محول به بانکهای ملی کرده و بانکها شرایط ادای این وام را در خواست کردند وزیر مالیه روس بضمانت دولت متبوعه خود پنج سال ميعاد ادای او را قرار داده است که باقساط دولت روس پردازد قسط اول که عبارت ازده ملیانست در آخر ماه مای و شش ملیان در ستمبر و چهار ملیان در نوبر و بقیه الی ظرف پنج سال کارسازی دارد بانکهای فرانسه شرایط را جرح و تعدیل کرده اند و مطابق میل خود کرده و تسعیر او را کم و زیاد نموده معلوم است در این هنگام جای طول کلام نیست و عدم وقت و ضیق فرصت ناچار روس صدی سه را صدی پنج قبول میکنند و باز فرانسه راضی نشده و بسته های لیره از پاریس بساحت میدان قنال شرق اقصی زریاش نشده لیکن از وجنات تلکرافات اخیر از اصرار روس فرانسه مطابق دغواه امضا کرده اند

خانه و کاشانه مایه بازند . و از بی معرفتی و عدم علم ما بر مایه بازند تو خود از جزء جزء بیانات و حرف بچرف مکالمات آگاهی . و باعث این فتنه و نیرنگ ریزه بار دانسته و کفتن نمینجواهی . لعنت بر خائنان سراپا جهل . و جهال پست مایه و موالید نا اهل . (کرپرده ز روی کارها بردارند * معلوم شود که در چه کارند همه

قرض روس

مسلم است امروز که دولت روس همچون عروسی است رعنا . و نکاریست سراپا زیبا . و بسی دلهارا خون و خلقی را مجنون کرده است . و فرانسه چندیست او را خواستگار و بیک اندازه او را در کنار گرفته و تمعی رپوده باید او را از چشم زخم حوادث مصون دارد و در همه جا او را نگاهداری نماید اگر این زیبایی سچین ذقن و این رعنائی نازک بدن را نقاهتی عارض شود و کسالتی روی دهد عیش او منقص خواهد شد و بقسمی که شاید از او بهره نبرد و صرفه نضورد و کاهی نچیند لابد لاعلاج باید در همه جا باو همراهی کند و حتی القوه پرستاری کند همین قدر که عرق صحت بر عذارش نشست و تب از وجودش زایل گشت باز کم کم رنگ گلگونش بطراود و قد دلارایش غنچ وطنازی ساز نماید و فرانسه ننگ در آغوشش گرفته کاهی بردارد

این وحشت کبری و دهشت عظمی که دل عالم را کباب و خلقها در اضطراب انداخته و کورورها از نتیجه اش ارامل و ایتمام مهیا ساخته لا بد مصارف دارد و هر روز جنود و خپول از راکب و مرکوب ملزومات خواهند والا در ثبوت جنگ و دفع دشمن نیابند دولت روس را جنگ اقصای شرق هر روز پنم ملیان زیر بار مصارف کشیده و معلوم است دولت روس را خزینة مالیه انقدر نباشد که چند ماهی محتاج بقرض نکند و در این موقع کارزار محقق است

اجمل التواریخ ایران

بقیه از نمره ۲

بلاشان بن بلاش بیست و دو سال آخر ستون خیمه بر سرش آمده بمرد و مدت پادشاهی او را بیست و چهار سال دانسته اند

اشغایان از نسل فیر برز بن کاوس بوده اند

ازدوان بن اشغ بیست و سه سال خسرو بن
اشغان نوزده سال بلاش بن اشغان دوازده سال
کودرز بن بلاش سی سال نرسی بن کودرز
نه سال یایست سال کودرز بن نرسی پانزده سال
یاده سال اوردوان بن نرسی سی و یک سال
ساسانیان سی و دو تن بوده اند و مدت چهار
صد و هشتاد پنج سال سلطنت کرده اند

اردشیر مشهور بیابکان ابن ساسان اصغر چهل و یکسال
یایست و پنج سال شاپور بن اردشیر سی و یکسال
هرمز بن شاپور دو سال بهرام بن هرمز بن شاپور
سه سال بهرام بن بهرام هشت سال یا چهار سال
بهرام بن بهرام بن بهرام نه سال و چهار ماه
نرسی بن بهرام ثانی نه سال یا هفت سال هرمز بن
نرسی نه سال یا هفت سال شاه پور ذو الاکتاف
بن هرمز هفتاد سال یا نود و دو سال اردشیر بن بهرام
بن هرمز دوازده سال یا چهار سال شاپور بن
اردشیر بن شاپور پنج سال یا پنجاه سال یایست و یکسال
بهرام بن شاپور یازده سال یا سه سال یزدجرد بن
بهرام بن شاپور هجده سال یا بیست و دو سال
بهرام کور بن یزدگرد شصت و سه سال یا بیست و سه سال
یزدجرد بن بهرام کور هفتاد یکسال یا نوزده سال

هرمز بن یزدگرد یکسال یا بیست سال فیروز بن
یزدگرد بیست و شش سال بلاش بن فیروز پنج
سال قباد بن فیروز چهل و سه سال انوشیروان
عادل بن قباد چهل و هشت سال

(گویند ناج انوشیروان عادل را ده کنکره بود و به
پهلوی هر یک کنکره پند چندی چون لولو شاهوار
از سروراید آبدار نقش بود ما ان پندیات را که هر یک
کلمه اش جهانی قیمت است و بزبان پارسی صرف است

محض پند گرفتن خواننده کان (چهره نما) نکارش میکنیم

(پندنامه افسر کسری)

داور داد آفرین کسری را زرین افسری بود بسنگ پنجاه
من گوهر آذین ده پهلوی و بهر پهلوی آن پندی چند
خسروانه نکاشته تا آنکه ندکان ازان شماری گیرند و بهینکام
خود کار فرمایند

(پهلوی نخست)

از راه آسپه‌بای گزند آمیز بر خیزید کارها را بهینکام
خود انجام دهید . در پیش پس کارها بنگرید . بکار بکه
در شوید راه بردن شد پاس کنید . بهرزه مرد مرا
مرنجائید . از همه کس خوشنودی بجوئید . مردم آزاری
خود ستانی مکنید . همه کس را دل نکاهد آرید . کم آزاری
و بر دبار را پیش نهاد کنید .

(پهلوی دویم)

در کارها کنکاش کنید . آزموده را بنا آزموده مدهید . خواسته
را بر خي کیش و آیین سازید . خود را در جوانی نیکنام
کنید . خویشتن را بر است گفتاری و درست کرداری
آوازه نمائید . توانگری خواهید هست و بود کنید . بر سوخته
ور میخته و شکسته و کسبخته دریغ نخورید . در خانه مردم
فرمان مدهید

(پهلوی سیم)

نان خود بر خوان خویشتن خورید . بکسان زشت و ناهموار
مکوائید . با کودکان و نادانان کنکاش مکنید . زنان پسر
و بیگانه را در خانه مکنارید و راه ندهید . از ریو و رنک
زنان اندیشه مند باشید . خویشتن را گرفتار زنان مسازید .
از دزدان پرهیز و پروا روادانید . از همسایه بد دوری کنید .

(پهلوی چهارم)

از آمیز بد کوهان دامن درکشید . در فرگاه پادشاهان
کستخی مسکالید . با فرومایه و پست کوه و نامرد رنج

(پهلوي ششم)

در همه کاري پيرانرا کرامت داريد . از پادشاهان
 بيوسته هراسان باشيد . دشمن را اگر همه خورد باشد
 بزرگ شماريد . پايه ومايه خود و مردمرا پاس کنيد .
 با خداوند جا بگناه و بزرگي کينه گوش مياشيد . از پادشاهان
 و سخن سنجان و زنان ترسناک باشيد . بر هيچ کس رشک
 و افسوس نخوريد . زشت و ناپسند مردمرا پيدا مسازيد .
 از مرگ زنان اندوهگين مياشيد

(پهلوي هفتم)

کار زمستانرا در تابستان راست داريد . زن بروزگار
 جواني خواهيد . کار امروزرا بفردا ميندازيد . دارو بهنکام
 ندرستي خوريد . کارها بهوش کنيد . در پيري زن جوان

ميريد در زمين مردم تخم و درخت مکاريد . از نوکيسه
 وام نخواهيد . بانازا دکان ست بنياد خوبشي و بيوند بچوئيد .
 ابي شرماني خاست نشت مکنيد . از مردم پرده در پاس
 بيان و دوستداري مورزيد . دوستي با خانگاران پخته
 خوار زشت شناسيد .

(پهلوي پنجم)

آنازاکه از بيفاره و نکوهش پروا نيست از خود برانيد
 با آنکه نيکي نشناسد بيوند بيوستگي در کسلايند . از چيز
 مردم کام از وهوس در شوئيد . مردان چنگي را بدست
 خود خون مريزيد . پيران و بيدلانرا با خود بجنگ مبريد .
 بخواستنه و ندرستي پشت گرم مياشيد . و آزموده مردمرا
 خوار مسازيد



AGHA MOHAMED KHAN
 GAJAR PERSIEN

نخستين پادشاه آل قاجار ابدالله دولتها الی يوم القرار
 شاهنشاه شهيد سعيد آغا محمد خان قاجار



ابراهيم پاشا دويم خديو مصر

IBRAHIM PACHA

وچهي ضرور است که ناچار بقرض است و امید ندارد در صورت امکان در داخله و رعایای دولت دوست پادشاه خواه وطن پرست دست حاجت بطرف غیر برد و از دیگران خواستگار شود

اگرچه خزینه ژاپون جواب گو هست و احتیاج بقرض نیست ولی از آنجائیکه نباید ظرف احتیاط را از دست داد قبل از وقت اعسلان و مال امر را مشاهده می‌کنیم که شاید محتاج بخوارجه شده باشیم و در داخله امتناع نمایند از این خواش بغير

پس از نشر این اعلان در ظرف هشت روز بتوسطه وزیر مالیه ژاپون (پرنس شیاد تروپ) چهل شش ملیان بقرض دولت متبوعه خود رعایای غیور داده‌اند که این مبلغ پول ایران (دو بیست پنجاه ملیان است)

خواهید . از خداوند رنج و پریشانی شمار کار خود بگیرید . با مردم در همه کاری نیکوئی کنید . کندم و جو و مانند او را بیویه کران فروشی در بند مدارید

(پهلوي هشتم)

خويشتن را در هر منش خوش دارید . پر جوئی را پیرایه و سرمایه مسازید . تار و زکار هستی شیرین گذرد . چشم و زبان و شکم و پوشید نیهایی خود را از ناشایست و ناروا پاس دارید . زبان به نکام را از سود بی هنگام بهتر دانید . جایگه آهستگی و زری باید تندي و در شتی مکنید . سایه مهترانرا بزرگ و سنگین دارید . در جنگها راه آشتی باز گذارید . نانماده بر مگیرید . ناشمرده بکار مبرید .

(پهلوي نهم)

تادرخت نومشانید درخت کهن بر مکنید . پایے بانداز کلیم دراز کنید . چشم دوست از آنچه نباید در کشید . نادان و مست و دیوانه را بند مکنید . زن آزر م سوز زبان دراز را در خانه مگذارید . هر چه شمارانا بسند آید بر دیگران ر و امندایند .

(پهلوي دهم)

بر کردار سرد و گفتار رنجش آویز سرافرازی بجوئید . بانانچردان تنگ مایه اندرز مسرائید . سپاس مهترانرا بر کهتران نجشایش آرید . نهادست بخوان و خورش مبرید . زبردستان را خوش و خرم دارید . در جوانی از روزگار پیری براندیشید . کار هنگام پیری در روزگار جوانی راست دارید . دل ناتوان را بیازوی نواخت یزو بجشید . ناخوانده بهمان کسان در بشوید . پرورش و رنج پدر و مادر را کرامی شناسید . راست و دروغ سو کند خورید



قرض ژاپون

در پانزدهم ماه مای دولت ژاپون رسماً اعلانی می نماید که دولت ژاپونرا بجهت مهمات و ملزومات جنگ

میزنم بودند با این جلال اورا وارد کردند بمیدان محمدعلی پاشا فوری نوزده تیر توپ شلیک کردند .
عقیده اغلب آنست که زمان سابق که راه مکه شلوق بوده مصریها و شامیها تدبیری کرده اند و محمل را فرار داده اند که بامم محمل اسپایی فراهم آورده و حجاج بسلامت بروند بر کردند بجهت نا امنی بودن اما این زمان باید فکر دیگر بکنند

المحضرت شاهنشاه ایران روحی فداه بتوسط جناب جنرال قونسل مصر بجناب عبد الرحمن بك قونسل سویس يك نشان شیر و خورشید عطا فرموده اند

جناب حاجی میرزا عبد الجواد صاحب نجل حاجی میرزا محمد مثکی تاجر اصفهانی امسال بفکر خوب مطلبی افتادند و آن این بود که این دهه آخر صفر را مومس روزه خوانی در تنگیه شبها شدند و هر شب از مغرب الی ساعت چهار از شب مشغول خدمت بودند و در کمال خلوص و نیت پاک همگی تجار مصارف روزه خوانی را از قبل چاهی و قلیان و قهوه و شربت و شام مفصل و ملازومات دیگر را داده اند در حقیقت هرگز در مصر چنین مطلبی نبود یعنی همان ده اول محرم را روزه خوانی میشود واقع حاجی بفکر خوب خدمتی افتادند

(چهره نما)

متوقع و خواهشمندیم از وقایع نکاران محترم که ما را بمنت خود مرهون فرموده در ضمن اخبارات از خود رای ندهند و افکاری ننویسند که باعث شمشیر خاطر بعضی بشود آنچه یجصول و وقوع پیوسته همان بنکارند و ما را از حسیض تراب از امتنان براج آنتاب رسانند
انکه جناب حاجی میرزا عبد الجواد مثکی تاجر اصفهانی صهر غفران مآب حاجی میرزا محمد رفیع اعلی الله مقامه مع سایرین تجار محترم ایرانی عشر آخر صفر را دست نشین بذیل عواطف و شفاعت خامس آل عبا روحی وارواح العالمین له الفداء زده اند

(هر کس که زده بداند نشان چون غبار دست *

هم رست از مهالك هم بار خود به بست)

دولت انگریز که خود را مهین برادر و بزرگ یاور ژاپون میدانند و همه این فتنه هارا مومس و حماله الحطب این جنک و هیزم کش تنور این حرب است خود داری نکرده که باید دولت ژاپون از ما پول بکشد ما توقع بیش از این داریم امروز بدرد بخوریم پس چه روز دیگر میتوانیم خدمتی کنیم که بموقع بوده باشد (برادری بچه روز دگر بکار آید) دولت انگریز در حق دولت ژاپون از جان مضایفه ندارد به اصرارات سفیر انگریز دولت ژاپون ناچار پنج ملیان قبول کرد محض پذیرفتن پول دولت اتانزونی امریکایی متعده که در رقابت با انگریز دوش بدوش راه مهود و هر جا انگریز قدم بگذارد او قدم بر میدارد تاب نیاورده و سفیر ژاپون را در نیورک به تنگ آورده لابد پنج ملیان از او گرفت دولت ژاپون دید حال پول میآید لیکن شرایط ادای او چندان قابل اهمیت نبود محقق است دولت اتانزونی وانگلیس حال در اول وحله سخت نگیرند تا کم کم بمراد دل نشینند

* مصر قاهره *

خبر نکار ما حمل مصریها روز قبل علی الرسم همه ساله باشکوه تمام و زینت زیاد با احترام از طرف عباسیه وارد نمودند در صورتیکه تمامی بزرگان و اعیان و مشایخ و طلاب پایی رکاب حاضر بودند اول این مطلب را عرض کنم چونکه صفحه اول چهره نما نوشته شده است بدون القاب بنده القاب نمی نویسم راستی این چه مطلبی است اصل که اسم است معلوم نیست فرع ماشاء الله هی زیاد است باید دو سطر فروعات نوشت تا به اسم برسد انوقت اسم هم معلوم نیست باری جناب محافظ حاکم مصر و رئیس نظارت و نایب حضرت والا خدیو و امیر حج و احمد بك زکی امین الصره بوضعی خیلی منظم و سنگین ترتیب مخصوص در طرف چپ و راست در حرکت بودند از دهام و تماشایی که شهر را فرا گرفته سوار نظام و پیاده عسکر اطراف محمل را داشتند و بکدمسته موزیکچی بنوای مصری

❖ خصایص اعلاحضرت امپراطور روس ❖

چنان برآید که در سلسله سلاطین روس همچون امپراطور حالیه اعلاحضرت نیکلای دوم الکساندر رویچ پادشاهی رثوف و مهربان و کم از آزار و تاجداري عطوف و رقیق القلب و خوش آثار بر سریر سلطنت ممکن نکر دیده که همیشه طرفدار عالم صلح و سلم و هواخواه امنیت و راحت ام بوده باشد و از زمان جلوس شرف مانوس همواره طالب صلح و صلاح و اجرائی نزع سلاح بوده اند و بیزارى از جنگ و جدال و خصومت و نکال داشته اند

شاهد این مطلب در خواست نامه ایست که در ماه فوریه ۱۸۹۹ توسطه (کنت مورایوف) وزیر امور خارجه خود بسلاطین اروپا و امپراطور های فرنک تقدیم داشتند و انعقاد کانفرانس لاهیرا بواسطه پاپ بزرگ خواستکار گردیدند شاید باشد این مسئله بزرگ وحشت صرف که جنگ نام دارد از صفحه کیتی مهو شود یا تخفیف در آدم کشی داده شود و در مقام شرافت انسانیت و فضیلت بشریست و عالم مدینت نامی بنک در سراسر لوحه افتخار لیسل و نهار در روزگار بگذرانند و بگذرند و کمتر خونها ریخته و سرها بدار حسرت آویخته شود و رقابت جها نکبری ملوک هر روز باعث انعدام خمول و جنود و سفک دماء و اتلاف نفود نشده باشد و اعقاب امم و ارحام سلسله بنی آدم

پس از آنکه از کتم عدم پا بعرضه وجود گذاشتند بقیه دارد

تشکر و اعتذار

در خلال این اسبوع که جراید اوروپا رسید من جمله جریده فریده ابو نظاره بود که بزرگ استاد فاضل ادیب دانشمند و اول معلم کامل لیب ار چند مدیر آینه ضمیر جریده (المنصف) و (التودد) و (ابو نظاره) حضرت شاعر الملک شیخ ابی نظاره که تقریبا میسالت ترک وطن عزیز مقدس خود مصر را نموده و در شهر شهید پاریس رحل اقامت گشوده و عرصه سخن را از رشحات کک بدیع السلك در بارش بفتوای (ان هذا الاسحر مبین) راه مجال بندد و وساحت بیان از اثرات دوشبزه کان فکر رضیع البکر کهر بارش در غرفات سبع المثانی بنحوای (حور مقصورات فی الاخیام) زیور دهد در ضمن جریده خود شرحی نظر به نیت پاک حقیقت کوی و فطرت تابناک مدینت جوی از احداث چهره نما و قلم او نکاشته و این ناچیز صرفا چیزی دانسته ما چگونه با قلم شکسته و زبان بسته و ضیق صفحات ناقابل (چهره نما) از تشکرات صمیمانه چیزی نکاریم که از قوه ادای او بتوانیم بدر آیم (ما نتوانیم حق حمد نو کفتم * با همه کرو بیان عالم بالا

اسکندریه

حضرت والا خدیو چند روز است زینت بخش ساحت اسکندریه گردیده اند و علی الرسم سنوآت قبل الی ماه آینده تشریف دارند پس حرکت بطرف علیه اسلامبول میخایند و بعد از تشریف جستن بحضور اعلاحضرت سلطان عثمانی و اجازه طلبیدن رهسپار اروپا میگردند

میدهد که محاربه امروز در طرف نهر لیاوتنخ در ظرف پنج ساعت ۳۵ دقیقه طول کشید از طرفین ۱۷۵ نفر مقتول و مجروح شدند و ژاپونها ثابت بودند
(لندن)

مجدداً حکم شده بکدسته قشون بطرف تبت در حرکت آیند بجهت امداد قشون تبت
(مارسیل)

اعضا و عمله جات کارخانجات را راضی کردند آنها عصبیت را رها کرده مشغول خدمت شدند

اعلان

این روزنامه ملی که مبنی بر خدمات صادقانه است و مقصودش خدمت بدولت و ملت است بر همه صاحبان عظام و آقایان کرام روشن است که هیچ منظوری بجز دولت خواهی و ملت برستی ندارد باوجود زحمات فوق العاده و اخراجات فوق الطاقه و مصارف ترسیات و فوتوغراف که باید ژئوگراف شود و مخارج طبع و کاغذ و پست و انعامات و غیره غیره مع ذلك آبونه را باین قیمت قرار دادیم که همه کس قوه اشتراك داشته باشد و در ادای آبونه پیشکی او تکاهل نوزد و واضح است این همه سعی و کوشش و زحمت و رنجش بواسطه هشیار شدن ابناء وطن عزیز است که درنا امیدی و یاس نباشند و بدانند که همیشه ایران در پستی و بلندی و افتاده کی و ارجمندی و ذلت و عزت بوده است امید دوره خورمی و مسرت بس از مجوری و تقمت برسند که میفرماید (سيجعل الله بعد عمر يسرا)

تلکرافات عمومی از تاریخ ۱۰ مای

امیرالبحر روس الکسیف اف خبر میدهد که اعلمحضرت امپراطور حکم فرموده اند که معادل دو ملیان منات به افراد لشکریان شرق اقصی مبدول نمایند

شانهای وانغ

سپهسالار ژاپون جنرال کوروی میگوید در شهر نیوشوانغ که چهل میل مسافت است تا ایستگاه راه آهن بندر پور ناتر از روسها باقی نمانده است بجز سیمصد پنجاه نفر

(پترسبورغ)

مخبر روتر از توکیو پای تخت ژاپون تلکرافاً میگوید که طرف شمالی (بولیانها) ژاپونها احاطه کرده اند و همه ججدهشان قطع نمودن راه آهن است و روسها کمال ایستاده کیرا در محافظت راه دارند

(شانک اوایون)

مخبرها واس میگوید کشتی میاکوی ژاپونهارا کشتی محافظ روس تصادف و غرق نمود و ۲۲ دقیقه کشتی غرق او طول کشید معلوم شد بجز آنده کی آذوغه و هشت نفر از مجروحین چیز دیگر نداشته است

(پترسبورغ)

امپراطور روس حکم داده اند بجمع حکمرانان بلادیکه توابع مسکو هستند که در ظرف ده روز جمیع سربازان احتیاطی را مهیا و بطرف شرق انصا حرکت بدهند

(ایضاً)

امیر عبد الاحد امیر بخارا يك ملیان منات بجهت اعانه جنگ شرق اقصا داده است

(توکیو)

مخبر روتر میگوید امروز صبح طرف جنوبی راه آهن بندر پور ناتر را ژاپونها بتبضه تصرف ذرا آوردند

(پترسبورغ)

سپهسالار قشون روس جنرال کورباکین خبر